

استراتژی خصوصی سازی را تدوین کنید

محسن شمشیری

در طول بیش از ۵۰ سال برنامه ریز اقتصادی در ایران همواره بر ضرورت خصوصی سازی، افزایش بهره‌وری و کارایی، اصلاح مدیریت، بهبود کیفیت، کاهش هزینه‌ها و غیره تأکید شده است. اما رشد بودجه حرکت‌های دولتی، افزایش تصدی دولت در اقتصاد، شرکت‌داری بانک‌ها، رشد تورم و نقدینگی، سهم کم ایران در تجارت جهانی، رکود نسبی برخی صنایع، پس افتادگی تکنولوژی و دانش فنی، انعطاف ناپذیری بازار و کیفیت و تکنولوژی ساخت کالاها همواره تن‌بیمار اقتصاد ایران را به نفع و زیان وایسته‌تر کرده و مشکلات را افزایش داده است. این وضعیت نشان‌دهنده این واقعیت تلخ است که کارشناسان و مسوولان به مفهوم ریشه‌ای و ابعاد و جوانب خصوصی سازی توجه نمی‌کنند و استراتژی شفاف و روشنی در مورد خصوصی سازی وجود ندارد. خصوصی سازی اگر بدون توجه به مفهوم ریشه‌ای و پارادایم آن اجرا شود نه تنها اهداف مورد انتظار را محقق نخواهد کرد بلکه به اتلاف منابع و از دست رفتن فرصت‌ها خواهد انجامید.

عده‌ای از کارشناسان اقتصادی دلایل ناموفق بودن سیاست خصوصی سازی در ایران را مقاومت و کارشکنی برخی سازمان‌ها، رانت خواری، پرداخت پارانها در برخی بخش‌های اقتصادی و عدم اجرای درست قانون خصوصی سازی اعلام می‌کنند و معتقدند که عزم جدی برای اجرای سیاست خصوصی سازی وجود ندارد.

در نتیجه شاهد پایین بودن کارایی و بهره‌وری بنگاه‌های اقتصادی، عدم توجه به شایسته‌سالاری در مدیریت، کیفیت نامناسب کالاها، بی‌کاری، رانت خواری، عدم حضور مناسب در بازارهای جهانی، رقم‌اندک صادرات غیرنفتی و... هستیم.

خصوصی سازی به انتقال تخصیص منابع از دولتی به بخش خصوصی و تقویت بخش خصوصی توسعه مکانیسم بازار رقابتی اشاره دارد.

لذا پرداخت پارانها، فرصت‌های ویژه و سیاسی، اتلاف منابع، کارشکنی و عدم اعتقاد به خصوصی سازی، بروز نوعی اختصاصی سازی در صنایع و غیره را نباید شاهد باشیم.

برای توجه به پارادایم خصوصی سازی باید حقوق مالکیت فردی محترم شمرده شود و قوانین و مقررات ضد و نقیض که ناقض حقوق مالکیت فردی است، از بین برود تا قرار سرمایه‌ها و مغزها را شاهد نباشیم و افزایش کارایی و بهبود مدیریت پدید آید.

سهام شرکت‌های دولتی نیز باید در یک فضای شفاف و وقابتی و در یک فرصت برابر عرضه شود و مدیران شرکت‌ها توسعه مردم انتخاب شوند. سازمان‌ها و ادارات نیز باید به وظایف حاکمین نظارتی و مدیریتی خود بپردازند و از مقاومت و کارشکنی پرهیز کنند و فعالیت اقتصادی نکنند. مدیران و مسوولان اقتصادی اگر پذیرفته‌اند که دولت باید کوچک شود و اقتصاد به سمت رقابت و تقویت بخش خصوصی برود باید پارادایم خصوصی سازی و الزامات و ابعاد آن را بپذیرند و در عمل تصمیماتی بگیرند که نتایج معکوس بدهد.

اگر اصل مالکیت خصوصی و سازوکار بازار رقابتی پذیرفته نشود تعداد شرکت‌های دولتی و تصدی دولت در اقتصاد افزایش خواهد یافت و خطاها ادامه می‌یابد.

اگر پارادایم خصوصی سازی و اهمیت آن درک نشود اهداف مورد نظر و افزایش کارایی شرکت‌های دولتی تحقق نخواهد یافت و به جای افزایش کارایی شرکت‌ها، واگذاری آنها مورد توجه خواهد بود و زمینه قیمت گذاری غیرواقعی، رانت جویی بروز خواهد کرد.

روند غیر رقابتی اقتصاد در طول ۳۰ سال گذشته و پایین ماندن درآمد سرانه نشان می‌دهد که استراتژی لازم برای رقابت و خصوصی سازی و افزایش کارایی وجود ندارد و استراتژی شفافی برای خصوصی سازی با هدف افزایش کارایی شرکت‌ها، کاهش هزینه‌های زاید و بالارفتن درآمد سرانه نداریم و هر روز شاهد بزرگ شدن دولت و حجم بودجه هستیم.

موفقیت خصوصی سازی و رقابت نیازمند شفافیت اطلاعات است و شفاف سازی اطلاعات نیازمند شفاف سازی قیمت، مبادلات، معاملات، قراردادهای و برابری فرصت‌هاست.

موضوع خصوصی سازی در شرایط کنونی بار دیگر باید مورد تجدید نظر قرار گیرد و مسوولان و کارشناسان و نمایندگان مجلس به ارزیابی روند و تجربه سالهای اخیر بپردازند تا ضرورت افزایش کارایی شرکت‌ها و تحرک در بخش خصوصی مجدداً مطرح و نتایج بهتری حاصل کند.